

خبر

۳هزارمیلیاردریال تسهیلات کم‌بهره‌برای‌عشایر

● ایسنا؛ رئیس سازمان امور عشایر از اختصاص سه هزار میلیارد ریال به‌عنوان تسهیلات کم‌بهره به عشایر کشور در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ خبر داد و گفت: این تسهیلات به شکلی متناسب بین استان‌های مختلف توزیع شده است.
کرم‌علی قندالی در دومین گردهمایی مسئولان امور عشایر استان‌های کشور در شیراز با بیان اینکه ۹ سال حتی نامی از جامعه عشایر برده نشد، افزود: دولت یازدهم با امیدبخشی به مردم ایران به‌ویژه به جامعه عشایر عمل کرده است. ما به‌دنبال اسکان عشایر نیستیم اما ساماندهی سرریز جمعیت عشایر را در کشور دنبال می‌کنیم. همچنین تا امروز ۲۰۰ هزار خانوار عشایر و ۵۵ هزار خانوار تحت پوشش اجتماعی قرار دارد. وی عشایر را در محافظت از منابع و عرصه‌های طبیعی، تهدید ندانست و گفت: محافظت از منابع طبیعی از اقدامات مهم امور عشایر برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی است. وی با اشاره به انعقاد تفاه‌نامه‌ای بین امور عشایر و وزارت نیرو برای استفاده از سامانه‌های انرژی خورشیدی در جوامع عشایری، گفت: براساس این تفاه‌نامه تا ۴۰ سال آینده عشایر کشور از انرژی خورشیدی منتفع می‌شوند.
قندالی از ایجاد ساختاری ویژه در امور عشایر برای تحقق اقتصاد مقاومتی خبر داد.

ادامه از صفحه اول

ازفسادخردتافسادکلان

همچنین مجوزهای نادرست ساخت‌وساز در کوچه‌باغ‌های باریک و معابر تنگ شهر برای کسب درآمد آسان و تأمین هزینه‌های شهر -که نمونه مشهور اخیر ساخت مجتمع تجاری اطلس‌مال با مشارکت نظام بانکی بهران‌هوا!!!- در مقابل بوستان نیاوران است- تخلف چند بانک در جذب سپرده‌ها یا منابع مالی دیگر با نرخ‌های بالاتر از مصوب و توان اقتصاد ایران برای ادامه حیات خود و چشم‌پوشی بانک مرکزی از آن و درنتیجه گروگان‌گیری کل رشد اقتصادی کشور با قبول نرخ بهره بالا به‌عنوان نرخ بهره تعادلی؛ پذیرش خراج از ضوابط سه‌هزار دانشجو برای دوره دکتر، بالاخره فساد سکوت و همراهی کارشناسان آگاه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فنی... و حتی مشارکت در تهیه گزارش‌های توجیهی نادرست برای اجرای طرح‌های بزرگ عمرانی.

متأسفانه براساس دامنه همین فسادهای ریزدورشت در بخش عمومی است که بنا بر گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت در سال ۲۰۱۵، ایران با نمره پاکی ۲۷ از ۱۰۰، در رتبه ۱۳۰ در میان ۱۶۷ کشور قرار دارد. نمره پاکی دانمارک ۹۱ و رتبه اول در میان ۱۶۷ کشور است. سومالی در رتبه آخر ۱۶۷ است. موقعیت بحرین، اردن، لبنان، پاکستان، مصر و حبشه در رتبه‌بندی، از ایران خیلی بهتر است.

در علم اقتصاد بنا بر قواعد جمعیت عنوان می‌شود ضرورتاً آثار آنچه درباره یک فرد یا یک سازمان مصداق دارد، در صورت شیوع و همگانی‌شدن آن برای همه نه‌تنها مصداق ندارد، بلکه می‌تواند برای همه در جهت مخالف عمل کند. این موضوع یکی از مباحث کلیدی تفکیک تحلیل‌های اقتصاد خرد و کلان است.

در همین راستا در موضوع فساد نیز می‌توان گفت فارغ از حرمت فساد و رشوه به جهت ارزشی و مبنایی مذهبی، به جهت بحث اقتصاد خرد شاید فساد ریزدورشت به جهت فرد یا سازمان ذی‌نفع در نگاه اول، فرد یا پنگاهی را منتفع کند، اما اگر جامعه یا حتی بخشی از آن متوسل به فساد شوند، به جهت بحث اقتصاد کلان به احتمال بالا، همگان و حتی ذی‌نفع اولیه فساد، تاوان سنگینی را خواهند پرداخت. با اشاعه فساد، اولاً هر دریافت‌کننده‌ای در موقعیت دیگر، پرداخت‌کننده است. پس آنچه پیش می‌آید در بهترین شرایط، تغییر توزیع در کل اقتصاد و نه افزایش درآمد است. ثانیاً فساد موجب افزایش هزینه‌های تولید است. چراکه مستلزم انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که در تولید ناخالص ملی منظور نمی‌شود. ثالثاً راشی و مرتشی به‌دنبال نوآوری و تولید بهینه نیستند، بلکه فقط به‌دنبال کسب درآمد شخصی در کوتاهمدت از مسیر فساد اقتصادی هستند که نتیجه آن کاهش درآمد و تولید کل اقتصاد است. رابعاً مسری‌بودن فساد آثار القایی گسترده‌تر و هم‌افزایی را در موارد فوق به‌همراه دارد. در نتیجه در ادبیات رشد اقتصادی، فرایند فساد و جریان القایی آن؛ به معنای کاهش بهره‌وری و کاهش رشد اقتصادی است. شدت فساد می‌تواند موجب رشد منفی اقتصاد، کاهش تولید، کاهش اشتغال و خالی‌ترشدن سفره‌ها برای نسل فعلی و نسل‌های آتی شود؛ تولید ازدست‌رفته‌ای که دیگر تکرار نخواهد شد. به بیان صریح‌تر، فساد افراد در نهایت فساد و نابودشدن کل اقتصاد است. راحل مقابله با طاعون فساد، بحث گسترده‌ای را طلب می‌کند که در این مختصر نمی‌گنجد و مجال دیگری طلب می‌کند. شفافیت و انتشار اطلاعات، آزادی رسانه‌ها و تبعیت از قانون از محورهایی است که می‌تواند موردتوجه باشد. موانع بررسی موارد کشف‌شده یا احتمالی فساد در مراکز ذی‌ربط و کندی رسیدگی در این مراکز و دادگاه‌ها به‌نوبه خود موجب اشاعه فساد و آثار سوء القایی آن در کشور است.

متهاب قلی‌زاده؛ در پایان گفت‌وگو می‌خواهد که

هرچه گفته، تمام‌وکمال کار شود. می‌گوید مسئول همه گفته‌ها خودش است و برای روزنامه مشکلی پیش نخواهد آمد. همه حرفش انتقاد به نوع نگاه حاکم بر موضوع تجارت است. یحیی آل‌اسحاق، رئیس پیشین اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران و رئیس فعلی اتاق مشترک بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و عراق است. او را می‌توان پیر صادرات و واردات ایران دانست. او در این گفت‌وگو ترکیب واردات و صادرات را تحلیل می‌کند و می‌گوید: تنها یک جمله باید هدف ما باشد: «واردات برای تولید در جهت صادرات»؛ یعنی «درون‌زایی برون‌نگر». می‌گوید: نگاه و بینش ما به مسئله صادرات و تجارت مشکل اصلی مهجورماندن این حوزه است؛ یعنی نگاه سیاست‌گذاران به توسعه صادرات، استراتژی ایران و نظام مدیریت کشور بر تجارت و صادرات، نگاهی است که باید بر آن تأمل کرد. حوزه صادرات در این ۳۷ هشت سال گذشته با نوسانات متعددی در حوزه بینشی مواجه بوده است. او در تحلیلش از ترکیب واردات می‌گوید: ۷۰ تا ۸۰ درصد حجم واردات ایران مسواد اولیه، قطعات، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای است. کم‌شدن حجم واردات، به‌خوبی نشان می‌دهد وضع تولید مهجور شده است. درواقع نبود مواد اولیه و قطعات، رکود عمیق و کوچک‌شدن تولید را نشان می‌دهد. اینها نشانه‌های خوبی نیستند.

۴ برنامه جامع اقدام مشترک، سال پیش بین ایران و قدرت‌های جهانی به نتیجه رسید. پرسش این است که پس از این توافق چه تحولی در حوزه صادرات ایران رخ داد؟ آیا اصلاً فضا تغییری کرده است؟

سال‌های گذشته رخدادهایی در کشور بوده که وضع تجارت ایران با توجه به آنها می‌توانسته تغییر کند. ازجمله سرکارآمدن دولت تدبیر و امید و به‌توافق‌رسیدن برجام. اگر بخواهیم وضع صادرات ایران را با توجه به رابطه این وقایع تحلیل کنیم، باید ابتدا بررسی شود در عمل وضع صادرات چگونه بوده است. صادرات ایران از یک زاویه بر واردات پیشی گرفته و این نکته مثبتی است. یعنی مقدار صادرات غیرنفتی رشد داشته و این موضوع خوب ارزیابی می‌شود ولی اگر بخواهیم حجم کل تجارت ایران را بررسی کنیم، متأسفانه هم وضعیت وارداتمان نامناسب است و هم صادرات.

ترکیب واردات نشان می‌دهد ۷۰ تا ۸۰ درصد حجم واردات ایران مواد اولیه، قطعات، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای است. کم‌شدن حجم اینها، به‌خوبی نشان می‌دهد تولید مهجور شده است. در واقع نبود مواد اولیه و قطعات، رکود عمیق و کوچک‌شدن تولید را نشان می‌دهد. اینها نشانه‌های خوبی نیستند. اگر بخش بزرگ واردات، محصول نهایی بود، خب چه بهتر که واردات کم شود؛ اما این‌گونه نیست.

درباره صادرات هم وضع همین‌گونه است. بخش بزرگ صادرات کشور از صنایع وابسته به نفت و پتروشیمی تشکیل شده است؛ این نکته روشن است که روند اصلاً خوب نیست؛ درست است که افزایش صادرات نکته مثبتی برای اقتصاد است اما ترکیب آن از حجمش مهم‌تر است. نقش صادرات باید در دیگر فاکتورهای اقتصادی مثل رکود و اشتغال بررسی شود. خب؛ یکی از نکاتی که تصویری از خروج از رکود، افزایش اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری و... را نشان می‌دهد، صادرات است. وقتی صادرات غیرنفتی رشد چندانی نداشته، به‌خوبی روشن است اقتصاد وضع خوبی ندارد.

خب؛ اگر بخواهیم وضعیت صادرات را تحلیل کنیم، تنها با یک شاخص نمی‌توان این کار را کرد. بلکه باید بر همه عوامل دقیق شویم.

۴ این میان تنوع بازارهای صادراتی ایران هم در تحلیل وضع صادرات ایران مهم است؛ آیا پس از برجام توانسته‌ایم شرکای تازه تجاری پیدا کنیم؟ یا بازارهای خودمان را گسترش دهیم؟

جالب است که اگر به تنوع بازارهای صادراتی کشور دقیق شویم، مشخص است که ایران محصولاتش را تنها به چند کشور محدود صادر می‌کند. چین، عراق، افغانستان و چند کشور دیگر در همین سطح، جامعه

هدف این کشورها هستند. درحالی‌که سال‌های پیش حوزه جغرافیایی صادرات ایران، حداقل ۲۵ کشور بوده و حالا تنها به چند کشور، محدود شده است. نکته دیگر، صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور است. ایران مزیت بالایی در این حوزه دارد که اکنون به حداقل خود رسیده است.

پس با همه آنچه گفته شد، می‌توانم بگویم، اگر در سطح کُنی به تجارت ایران نگرسته شود، وضع بهبود پیدا کرده است؛ پیشی‌گرفتن صادرات بر واردات هم یکی از مصداق‌های آن است؛ هرچند اگر در ترکیب این آمار دقیق شویم، روشن است که وضع تجارت ایران نامناسب است.

و این میان کشورهای هم‌سطح ایران، چه عملکردی دارند؟

اتفاقاً مهم‌تر از همه اینها این است که مجموعه آنچه در حال رخ‌دادن است، در مقایسه با کشورهای رقیب یا هم‌گن، مقایسه‌شدنی نیست. مجموع صادرات غیرنفتی ایران حدود ۴۷ تا۴۸ میلیارد دلار شده است. همین همسایه ایران، ترکیه، سال گذشته حدود ۲۸۰ میلیارد دلار صادرات داشته است. مقایسه این ارقام به‌خوبی تفاوت را نشان می‌دهد. مثال دیگر مجموعه گردش مالی در سطح تجاری است، به شکل نرمال باید حدود حداقل یک درصد از تجارت جهانی در اختیار ایران باشد. درحالی‌که تنها سه‌دهم درصد آن برای ایران است؛ یعنی یک فاصله بزرگ معنادار، خلاصه مشکلات بی‌شمار است؛ محدودیت بازار، برخورداری خارجی، نرخ ارز و... **۴ بله این مشکل‌ها همواره مطرح شده است؛ اما «چرایی» این وضع هم محل پرسش است.**

واقعاً در چهار دهه گذشته در هزاران مقاله، صدها سمینار، برنامه‌های اول تا پنجم و... از مصائب صادرات گفته شده است. همه متفق‌القول هستند که نتوانسته‌ایم از توانایی‌ها و گنجایش اقتصاد ایران بهره ببریم. نگاه و بینش ما به مسئله صادرات و تجارت مشکل اصلی مهجورماندن این حوزه است؛ یعنی نگاه سیاست‌گذاران به توسعه صادرات، استراتژی ایران و نظام مدیریت کشور بر تجارت و صادرات، نگاهی است که باید بر آن تأمل کرد. حوزه صادرات در این ۳۷، ۳۸ سال گذشته با نوسانات متعددی در حوزه بینشی مواجه بوده است. گاهی تصور بر این بود که مازاد بر تولید باید صادر شود. گاهی فکر می‌کردیم تولید را با الگوی داخلی انجام می‌دهیم و به بازار عرضه می‌کنیم و...؛ درحالی‌که نه صادرات مازاد مصرف، ایده درستی است نه اینکه تولید محصولاتی با الگوی ایرانی... اصل ماجرا این است که باید از نگاه خریدار بیرونی به این حوزه نگرسته شود؛ چراکه خریدار بیرونی با نگاه، تفکر و سلیقه خودش، محصول موردنیازش را تهیه می‌کند. نکته دیگر ثبات در عرضه محصول است. نمی‌شود ما هر زمان، با هر قیمت، در هر شرایطی، هر محصولی را که خواستیم، با سلیقه خودمان تولید کردیم، مازاد بر مصرف داخل بود و... صادر کنیم و انتظار داشته

اقتصاد

بررسی حال وروز صادرکنندگان به بهانه روز ملی صادرات در گفت‌وگو با آل اسحاق

هم واردات، هم صادرات حکایت ازوضع بد اقتصاد دارند

بخشی از امنیت کشوری مانند ایران؛ به نوع تعامل و همکاری های تجاری در منطقه وابسته است



عکس: امیر هکمتی، وزیر بازرگانی

باشیم همواره برایش مشتری باشد. مشتری‌ها به محصول مدرن و براساس نیاز خودشان علاقه نشان می‌دهند؛ محصولی که بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و همواره در دسترسشان باشد.

پس با همه آنچه گفته شد، مشکل اصلی ایران بیش‌نظام حاکم درباره صادرات و واردات و ارتباط این دو با هم است. هنوز هم نظر غالب این است که اگر واردات به حداقل برسد، به کمال توفیق دست یافته‌ایم. درحالی‌که آنچه مهم است، ارزش‌افزوده‌ای است که اقتصاد تولید می‌کند.

خلاصه آنکه اگر به این بینش نسیم که استراتژی صادرات و واردات ایران باید تغییر کند، راهی را پیش نخواهیم برد. تنها هم یک جمله باید هدف ما باشد: «واردات برای تولید در جهت صادرات»؛ یعنی «درون‌زای برون‌نگر» که اکنون به‌عنوان یکی از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی شناخته شده است.

۴ خب موضوع دیگر الزامات برای صادرات است. در این تغییر نگرش، این موضوع هم باید دیده شود؟

دقیقاً، صادرات این‌گونه نیست که عزم کنیم، می‌خواهیم صادر کنیم یا حداکثر در چند نمایشگاه شرکت کنیم.

با این وضع حتی اگر قیمت کالا را هم پایین بیاوریم، بی‌فایده خواهد بود. می‌خواهم بگویم این‌گونه نیست که بازارهای دنیا منظر محصول ما نشسته باشند. اگر نتوانیم در جنگ کالا از نظر قیمت، کیفیت، خدمات پس‌ازفروش، استمرار، تأمین نیازهای واقعی بازارهای هدف با کالاهای مقابلس رقابت کنیم، نمی‌توانیم پیروز باشیم. بنابراین یکی از الزامات اینـ موضوع، تهیه نظر ذی‌نفعان صادرکنندگان غیرنفتی است.

مسئله، ثبات قوانین و مقررات است؛ یعنی صادرکننده نمی‌تواند چندین‌وچندماه یا سال تلاش کند، اما همواره با قوانین متغیرالوضع در کشور مواجه باشد. درواقع مجموعه سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذار حداقل برای یک دوره یکی، دوساله تنظیم امور کند. این تلاطم قوانین، مقررات و سیاست‌ها اجازه این موضوع را به سرمایه‌گذار نمی‌دهد.

موضوع دیگر نرخ ارز است. نرخ ارزی که از شاخص‌های عمده در مسئله صادرات است؛ یعنی پولی که صادرکننده به‌ازای هر دلار دریافت می‌کند، امکان مانور و رقابتش را در بازار تعیین می‌کند. درواقع هم خود نرخ ارز مسئله است و هم تلاطمش. مسئله دیگر هم نوع بازاریابی، شناخت بازارها و اقتدار حضور در بازارهاست. شرکت در جامعه جهانی قدرت می‌خواهد؛ قدرتی که کاملاً تخصصی به دست می‌آید. گذشته از واحدهای بسیار بزرگ، واحدهای کوچک‌تر و معمولی‌تر کشور نه دانش آن را دارند و نه توانش را. واحدهای تحقیق باید «آر اند بی» و مارکتینگ پیدا کنند. خب باید دولت در حوزه ساماندهی این موضوع به کمک واحدها بیاید. راهش این است که مرکز توسعه تجارت ایران، شرکت‌های مشاوره‌ای بازاریابی را توسعه دهد و حمایت کند.

پایان خوش بورس در مهر

با ثبت ۱۶ واحد کاهش بیشترین تأثیر منفی را روی شاخص از خود به‌جا گذاشتند. بازار سرمایه ابتدا و انتهای روزهای معاملاتی مهرماه را در فضای مثبت سپری کرد و ماحصل یک ماه فعالیت کنشگران بازار افزایش بیش از هزارو ۸۰۰ واحدی شاخص بوده است. ازاین‌رو بازار سرمایه نسبت به سایر بازارها بازده بیشتری داشته است و در نهایت توانست بیش از دو درصد بازده برای سرمایه‌گذاران به ارمغان آورد.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۸۰۹۱۵	۲۴۴،۰۳
شاخص قیمت	۲۷۷۰۶۹	۸۵،۹۰
شاخص کل (موزن)	۱۵۲۹۰۸	۶۵۲۰
شاخص قیمت (موزن)	۱۲۲۰۹۲	۵۲،۰۰
آرژد شااور	۸۶۹۶۶	۳۰۷،۲۹
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۸۴۲	۷،۱۰

متأسفانه دانشگاه‌ها هم متخصصان مارکتینگ به‌روز تربیت نمی‌کنند.

۴ خب چرا تا به‌حال به این سمت نرفته‌ایم؟ و اگر هم رفته‌ایم، بی‌رهمق و بی‌توان بوده است. آیا در این روند به سیاست‌گذاری دولتی نیاز داریم یا نقطه بهبود ماجرا جای دیگری است؟

ببینید؛ صادرات همواره برای ایران در حاشیه بوده است. برای پاسخ به این پرسش باید استراتژی تولید و استراتژی تجارت را بررسی کنیم. متأسفانه استراتژی تولید در ایران همواره در حاشیه بوده است.

۴ چرا؟

چون هنوز اینـ اعتقاد جا نیفتاده است که در موضوع «استراتژی تجاری»، «توسعه» و حتی «امنیت» نقش دارند. ما هنوز توجه نکرده‌ایم که بخشی از امنیت کشوری مانند ما به نوع تعامل و همکاری‌های تجاری ایران در منطقه وابسته است. سرنوشت اقتصادی ایران به‌گونه‌ای است که به‌راحتی می‌تواند به بازار ۴۰۰، ۴۰۰ میلیونی که در همسایگی‌مان است، گره بخورد. با این وضع می‌توانیم فضای امنی را برای آنها از نظر اقتصادی ایجاد کنیم تا برای خودمان هم فضای امنی ایجاد شود. واقعیت این است که این موضوع مربوط به یک دولت و دو دولت نیست. تجارت برای سیاست‌گذاران اصل نیست. اینها هنوز نمی‌دانند تولید به تجارت وصل است و برای توسعه تولید باید تجارتان را گسترش دهیم.

۴ کمی از اینـ بحث فاصله بگیریم و به پرسش نخست بازگردیم؛ آیا در مدتی که از برجام گذشته است، ترکیب شرکای ایران از چین، روسیه و آنهایی که شما به آنها اشاره کردید به‌سوی اروپا گردش کرده است؟

یک بحث در رابطه با کشورهای اروپایی و غربی، بحث سابقه ایران است؛ خب با بسیاری از اینها رابطه بیش از صد یا حتی ۲۰۰ ساله داشته‌ایم.

آنها خودشان نخواستند روابطشان را با ما ادامه دهند. حوزه اقتصاد از سیاست جداست؛ سیاست با فشار و تحریم‌های روز گره خورده است درحالی‌که صادرات با واقعیت‌های عملیاتی روبه‌رو است. آنچه که در برجام رخ داد، محصول زحمات بسیاری بود که در حوزه سیاست کشیدند؛ هرچند در عمل با بدهدگی‌های طرف مقابل مواجه شدیم. درواقع دستاورد اقتصادی برجام برای ما آن‌قدر که انتظار داشتیم نبود. آن هم که اتفاق افتاده، در چند حوزه محدود به خودرو و پتروشیمی... و است که هنوز عملیاتی نشده. اینها نمی‌تواند اقتصاد را تکان دهد.

می‌خواهم بگویم هنر مسئولان در چگونگی استفاده از اهرم‌های اقتصادی در جهت اهداف سیاسی و عکس آن است. هنر دیگر آنها هم عملیاتی‌کردن این جریان به این اقتصاد و سیاست است.

۴ موضوع دیگر نرخ ارز است؛ سیاست دولت برای تعدیل نرخ ارز در جهت افزایش بهای ارز است. این موضوع را در رابطه با تجارت ایران چطور تحلیل می‌کنید؟

تأثیر نرخ ارز در مراودات تجاری ایران بیش از دیگر نقاط جهان است. درواقع ثبات نرخ ارز و تداوم سیاست‌های ارزی، نقشی جدی در همه حوزه‌های تجاری دارند. اگر بخواهم انتزاعی به این پرسش پاسخ دهم، باید بگویم، نرخ ارز بالاتر به‌نفع صادرات است؛ یعنی به‌ازای هر دلاری که فروخته می‌شود، تومان بیشتری عاید صادرکننده می‌شود. هم‌زمان به‌نفع تأمین درآمد دولت هم هست، هرچند که هم‌زمان به ضرر واردکننده است؛ باز به نقطه آغاز گفت‌وگو بازمی‌گردیم؛ چراکه حجم بزرگ واردات ما کالاهای اولیه است. پس به‌این‌ترتیب به تولیدکننده صدمه جدی خواهد خورد. از این منظر مصرف‌کننده داخلی هم که کالای نهایی تحویل می‌گیرد متضرر خواهد شد. اینکه کدامین نرخ ارز نقطه بهینه برای همه بخش‌های اقتصاد است، تابع عرضه و تقاضای ارز است. عرضه ایران درآمدهای حاصل از فروش نفت، صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری خارجی است. تقاضا هم تابع نیاز تجاری برای واردات، باری تجاری را ارز و حفظ ارزش دارایی‌ها و... است. تخمین من این است که تعادل اقتصادی ما نتوان تحمل دلار بالای سه هزارو ۵۰ تومان را ندارد. ممکن است به‌نفع صادرکننده باشد، اما اگر جامع نگاه شود، این به‌نفع اقتصاد نخواهد بود.

خبر

عضو هیأت مدیره صندوق ضمانت صادرات:

اهرم دوزمانه کنترل ریسک در بازارهای صادراتی

● **اگزیم نیوز**؛ کنترل ریسک‌های صادراتی یکی از مهم‌ترین مقوله‌ها در روند صادرات محسوب می‌شود. حفظ موقعیت و نفوذ در بازارهای موجود و اعتبارسنجی بازارهای جدید دو فاکتور ضروری در این راستا هستند. عضو هیأت‌مدیره صندوق ضمانت صادرات گفت: یکی از اتفاقاتی که در زمان تحریم افتاد، محدودشدن و کاهش تعداد بازارهای صادراتی ایران بود. آرش شهریانی افزود: بیش از ۸۰ درصد از صادرات ما در این شرایط به پنج کشور انجام می‌شد و اینـ از لحاظ ارزیابی ریسک صادراتی اتفاق خوبی نیست. وی ادامه داد: بالای ۸۰ درصد از صادرات خدمات فنی و مهندسی ما در عراق بوده و وقتی یک بازار دچار مشکل شود، طیف وسیعی از نیروی مهندسی ما را دچار مشکل خواهد کرد. شهریانی تشریح کرد: اخیراً به‌دلیل پایین‌آمدن قیمت نفت و مشکلات امنیتی پیش‌آمده در عراق، دولت این کشور نتوانست تعهدات کشورش را به ایران اجرا کند و مطالبات ایران معوق ماند. وی تأکید کرد: در حوزه صادرات کالا هم باید گفت طبعاً در میان ۱۵۰ کشور بالقوه برای صادرات، محدودیت صادرات ایران به پنج کشور، عدد بزرگی نیست و باعث تمرکز ریسک نخواهد شد. عضو هیأت‌مدیره صندوق ضمانت صادرات تشریح کرد: متنوع‌سازی بازارهای هدف به‌عنوان یک استراتژی توسعه صادرات خود حامل نوع مهمی از ریسک است. شهریانی افزود: توصیه جدی برای صادرکنندگان حرفه‌ای این است که پیش از ورود به بازار جدید، شناخت کافی از آن کسب کنند و اعتبارسنجی لازم را درباره خریدار خارجی انجام دهند. شهریانی از خدمات ویژه دولت در راستای پوشش این ریسک خبر داد و گفت: دولت تمهیداتی را در صندوق ضمانت صادرات و بانک توسعه صادرات قرار داده تا امنیت خاطر را برای صادرکنندگان فراهم کند. به این ترتیب آنها می‌توانند با فراغ بال به بازاریابی صادراتی خود فکر کنند و نگران مطالبات صادراتی‌شان نباشند. وی افزود: پریسک‌ترین بازارهای هدف ایران به‌جز عراق براساس تجارب ما در صندوق ضمانت صادرات ایران و افغانستان و CIS و وجود پتسک بالای این بازارها، بوده‌اند. در برخی کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین نیز پیش از این خسارت داشتیم. البته تلاش‌هایی برای وصول بخش زیادی از مطالبات این بخش صورت گرفته و به توافقاتی نیز رسیده‌ایم. عضو هیأت‌مدیره صندوق ضمانت صادرات در ادامه خبر داد: راجع به عراق و افغانستان و وجود پتسک بالای این بازارها، دولت تدبیر و‌هزای اندیشیده است. شهریانی گفت: براساس مصوبه هیأت وزیران در دی‌ماه سال قبل، موضوعی به ما ابلاغ شد و صندوق ضمانت را مکلف کردند با نرخ پوشش یک درصد در سال به پوشش ویژه ریسک در این دو بازار اقدام کند.

ارز و طلا

فرش قرمز برای طلا

● **شرق**؛ دیروز طلا با هم صعودی بود. این‌بار میزان صعودش بیشتر از روز سه‌شنبه. دیروز هر اونس طلا در بازارهای جهانی و در لحظه نگارش این خبر، روی حدود هزارو ۱۲۷۰ دلار ایستاد. در واقع عقب‌نشینی دلار در بازارهای بین‌المللی صعود قیمت را به طلا هدیه کرد و این فرش قرمزی بود که دلار برای طلا پهن کرد. به گزارش طلا به نقل از بولیتوین، شاخص ارزش دلار آمریکا که روز دوشنبه به بالاترین سطح در هفت ماه اخیر رسیده بود، پس از انتشار آمارهای اقتصادی آمریکا با کاهش روبه‌رو شده است. شاخص ارزش دلار با ۰،۰۵ درصد کاهش به کمتر از ۹۷،۸۲ واحد رسیده است. انتشار آمارهای متناقض اقتصادی در آمریکا موجب شده تا سرمایه‌گذاران بین‌المللی نسبت به وضعیت نرخ بهره فدرال‌رزرو در ماه‌های آینده دچار سردرگمی شوند. فدرال‌رزرو آمریکا تا دسامبر خواهد داشت. با توجه به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در نه دسامبر بعید به نظر می‌رسد که فدرال‌رزرو در نشست نوامبر نرخ بهره را تغییر دهد. برخی کارشناسان اقتصادی بر این باورند که فدرال‌رزرو آمریکا تا زمانی که به هدف نرخ تورم دودرصدی دست پیدا نکند، نرخ بهره را تغییر نخواهد داد. به اعتقاد برخی تحلیلگران بازارهای بین‌المللی، اگر فدرال‌رزرو در نشست دسامبر نرخ بهره را افزایش دهد، احتمال کاهش قیمت طلا به کمتر از هزارو ۱۸۰ تا هزارو ۲۲۰ دلار در هر اونس وجود خواهد داشت.

ارز	قیمت(میل)	تغییر
دلار آمریکا	۳۵۸۸	—۳
یورو	۳۹۷۵	—۳
پوند	۴۴۵۸	—
درهم	۹۸۳	—

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱،۰۹۲،۰۰۰	+۴۰۰۰
طرح جدید	۱،۰۹۴،۰۰۰	+۲۵۰۰
نیم	۵۵۴،۰۰۰	+۱۰۰۰
ربع	۲۹۱،۰۰۰	—
گرمی	۱۸۴،۰۰۰	—
گرم ۱۸ عیار	۱۱۰،۴۰۰	—۵۰۰
اونس (دلار)	۱۲۶۸،۷	+۹،۹